

کوهستان

نامه تفصیلی

موضوع کردستان کم کم مطرح میشود

این دهاری حتی نمیتواند شبیه دهاری ترک زبانان آذربایجان باشد زیرا «کردی» یکی از لهجه های خاص فارسی است در صورتی که «ترکی» با زبان فارسی متداول ما فرق بسیار زیاد دارد.

مطالعه قرار گیرد محل بحث آن نیز مجلس موسسان خواهد بود. روزنامه داریادریبان سرمقاله خود می نویسد، «ما انتظار داریم دولت اکنون که استلامات میان ایران و شوروی را حل کرده است هرچه زودتر به مسئله آذربایجان و کردستان رسیدگی کند و راه حل قطعی و عملی که منجر به خون ریزی نشود برای ابتکار انتخاب نماید. برای حل قضایای آذربایجان و کردستان باید با مردم آغوش مشورت کرد و سپس از راه مجلس موسسان دهاری آنها را مورد بررسی قرارداد»

روزنامه مهر ایران در سرمقاله دیروز خود تحت عنوان «قضیه کردستان» پس از اشاره ای به نهضت کردها در ایران اظهارات نخست وزیر عراق را در موضوع ملا مصطفی بارزانی و تکرار دولت عراق پس از تاریخ ششم ماه مه که تاریخ تغلیبه کامل ایران است نقل نموده پس از ستایش خدمات و پاکبوی وطن پرستی قوم کرد می نویسد:

از زها و سران قوم کرد که در وطن پرستی و ایران خواهی آنها شبیه روا نخواهد بود انتظار میرود با دولت حاضر در یک همچو موقع خطری که کشور و وطن عزیزمان احتیاج انیم به اتحاد و اتفاق نظر و آرامش و امنیت دارد باری کنند و این آتش که میگویند در کردستان روشن شده است ما آب تدبیر خاموش سازند و چون آنها اولی از سایرین میباشند و اهل بیت محبوب می شوند پیش قدمی در مسامحت و همکاری با دولت در استقرار امنیت آن نواحی پس آورند و شوجه باشنده هر اندازه با جریان مسائل روز پیش بیرویم موفقیت ایران و وقایعی که در این کهنه رباط باستانی روی میدهد بیش از پیش محل توجه و عنایت سایرین است و یکی از مظاهر رشد و بلوغ سیاسی و اجتماعی همان وحدت نظر و اتفاق ملی یک قوم است و امروز از هر موفقی و هر دوره ای بیشتر نیازمندی هستیم که وحدت ملی خود را نشان بدهیم و همه برای ایران باشیم.

البته تمام این تذکرات از لحاظ متوجه نبودن دولت و طبقه هر فرد علاقمند

در در ششاد قبل ضمن سر مقاله ای که در «س» به کردستان چاپ کرده بودیم تذکر دادیم که موضوع کردستان هنوز آشنایی نشده، اگر دولت این موضوع را سزانه تلقی کند، دهر بارود باشتیاب خود و سرف خواهد گردید و ضمن همان سر مقاله مطالبی را که در حل مسئله کردستان مسکن بود مسوتر باشد یاد آوری نمودیم و آن مناسقات تا حال از تاثیر این تذکرات در دولت آری مشهود تکرار بدمولی ما و فنی انجام امری و اضروری بدایم آنگه در می نویسیم و تحلیف می کنیم تا به نتیجه برسیم و لولایتک مدتها هم وقت صرف شود.

بشوی است برای اینکه دولت در این مسئله مهم تصمیم بگیرد باید انتظار داشت که بلا فعاا پس از تذکره قبیه هاید گردد زیرا ما مستخدمیم که هر تذکری داده میشود باید مورد توجه اولیای مسئول قرار گیرد و مسوتر اینکه آن را بفتح سلطنت تنخیم دادند و خوب مقاله کردند به عمل بیردازند.

موضوع کردستان موضوع بسیار مهمی است و ما خوشوقتم از اینکه مسکران روزنامه نگار ما بامسبت آن واقف شده و دو این دو روزه اول هفته مقالات اساسی بیضی ز جرابند مهم باقیست باین موضوع اهتمام داده شده و نیز خوشوقتم از اینکه در اظهار نظری که از طرف جرابنده هم آهنگی کاملی حکم فرستاد. هموسا طرهدار روی مسالت آمیز و عادلانه و منصف عشوت و ایجاد برادر کشی هستند.

روزنامه داریا در سر مقاله روز شنبه ۱۴ فروردین می نویسد: «اکنون مسئله کردستان درسیاست ایران عرض وجود میکند پس از آن که در آذر بایجان حکومت دستکرات برقرار شد کردها نیز برای نهضت خود مختاری فعالیت خود را شروع کردند. این نهضت بستیگی تام با جریان آذربایجان داشت و چون به آنها تکلیف شده بود که سه تاج حکومت نیز شوند آنها ترجیح دادند که اگر نباید از تهران تسکین کنند خود مختاری خویش را اعلام نمایند.»

سپس راجع به عدم رضایت اکراد و موضوع زبان می نویسد.

بک حرف از دو دهان

است که یک اشاره اوجان خود را شار میکنند و اگر ایمان و عقیده نوق العاده ای میردانش باور دارند، آنها همین کافی خواهد بود که آنان را پیرو مذهب بارزانی اا خواهند.

اگر دولت عراق از عدم رضایت اکراد ساکن آن کشور نگران است توسل ب مذهب بارزانی هم رفع نگرانی نخواهد کرد بلکه در اکراد عراق که کاملا ملا مصطفی و روش او و طرز فکرش را میداند سوسه های مذهبی کوچک ترین رسته نکرده و از این راه او را تکبیر و طرد نمیتوان نمود.

دولت عراق خوب است بجای این اظهارات سطحی که هر شخص مطلع و ابه شنده در میاورد. اگر میخواهد رفع نگرانی از خود بکند، حقوق حق اکراد تابع خود را شناخته و به تقاضای های صحیح آنان توجه نماید. اما در موضوع اظهارات آقای سراج اولو اگر منظور ایشان افشاش های داخل ترکیه است، ایشان هم باید به چندین سال قبل مراجعه نموده و از منشاء جنگهای شیخ سید و وقایع آزارات و درس و تجربه کسب اطلاع فرمایند و اطمینان داشته باشند که اقداعات امروزه در زمینه دیباک همانهاست ولی اگر منظورشان کردستان ایران بوده این مسئله است داخلی و مربوط با ایران و بست جداگانه دارد. در هفت آینده توضیح بیشتری خواهیم داد.

امروز موضوع کردستان با یک تصمیم عاجل دولت و یا با صدور یک اعلامیه حل نخواهد شد و در شخص آقای نخست وزیر در این کار جدیت خاصی بخرج نداده و علاقه مخصوصی نشان ندهد از جهت اشخاصی هم نتیجه ای بدست نخواهد آمد.

امروز در دستکرات دولتی یک نفر کرد که از دیکر بنهضت وزیر باشد و بتواند در پیش آمد هائی که گاهی ممکن است در کردستان اتفاق افتد راعضائی هائی بنیاید لی بنیم تصمیم هائی که راجع به کردستان گرفته میشود فقط از روی اطلاعات و گزارشات واصله و شاید پس از تبادل نظر چند نفر از مامورین عالی رتبه دستکرات دولتی باشد اینان هر قدر هم حسن نیت داشته باشند اقدا مانند دیکر نفر کرد بروحیه اراد وارد لیستند و گاهی نیز منصب مقام و منصب خشک و خالی اینکه دولت باید قدرت نشان بدهد ممکن است آنان را گمراه نماید.

امروز وقت بنهضت وزیر برطوری گرفته شده که یک ملاقات موری و ضروری مستلزم تشریفات فراوان و تلفن های مکرر بقیه دو صبحه ۸

چندی قبل در مصاحبه ای که نماینده کان مطبوعات با سراج اولو نخست وزیر ترکیه نموده بودند راجع به موضوع کردستان گفته بود: «شورش اخیر کردها جبهه مذهبی دارد و جبهه استقلال سیاسی» نخست وزیر عراق، نوری سعید نیز در قاهره اظهارات مشابهی در مصاحبه با نماینده کان مطبوعات مصر نموده گفته بود: «جنش ملا مصطفی بارزانی یک جنش و قیام شخصی و ناشی از معتقدات مذهبی است «مذهب بارزانی» یک مذهب نزدیک بطریقه اسمعیله است و مورد مخالفت کرد هاست و کوشش حمل می آید که این جنش و ا برنگ ملی در آورند.»

هر دو آقایان نخست وزیران محترم حق دارند برای پوشانیدن مقال و حق کشی های ملت خود، نهضت های ملی اکراد را از دریچه مذهب اا شکر نمولی باید متوجه بود که دیکر اینکه حنا هارنگی ندارد.

جنش ملی ملا مصطفی و نهضت وزیر عراق، با فراموش نبودن سوابق تاریخی جنشی مذهبی خواهد و حتی مذهب جدیدی هم بنام مذهب بارزانی و مشابه با مذهب اسمعیلی برای آن وضع فرموده ولی برای بی بردن جنشیت امر کالی است که نظری میگذشت افکنده و در قضیه موصول ملل اصلی راجعتر فرمایند.

اگر ملا مصطفی دارای قداایانی

به آب و خاک است و حقا از وظایف اساسی و مهم جرابه ایران در این روزهای سخت و راعضائی و کیک دولت و تشریک مساعی کامل است اما یاد آوری این نکته هم ضروری است که کله هم رضایت های اهالی کردستان و نهضت قلمر اکراد ناشی از سوءسیاست دولت های گذشته و فطایح اکثریت مامورین مفت پرست و پست دولت بوده دودخ هائی که بکار رفته و مطالبی که روا داشته اند سلب اعتماد از مردم کردها بطوریکه به آسانی نمیتوان مردم را به دولت امیدوار ساخت.

گفتند و او شش بسیار خوب و پسندهنده است، تعریف و ستایش می خرد است ولی وقتی که باهر توام نباشد دومردم مؤثر نخواهد بود مردم اینقدر شنیده اند که دیکر تا به بیستد ماور نخواهند کرد صحیح است که عسکری سران قوم کرد و راعضائی که مورد اعتماد مردم کردستان هستند در حل مشکل کردستان برای دولت بسیار ضروری است ولی این اقدام باید با حسن نیت کامل دولت توام باشد.

دولت باید در اصرار و وقت هه ای از مظلمین کرد و گسائی را که مورد احترام و اعتماد اکراد هستند دعوت نموده در حل مسئله کردستان با آنها مشورت کند

بهرانهای اقتصادی و بردمعیب و سرمایه آور فعلی (نان و نان) با اینکه خوبین خود خلوق انسانیت معرود و نیمه جان را بیشتر و وضع جاسوس میونیا موجودیکه پس از بابان جنگ و ترک لباس نظام اکنون ویلان و سرگردان گرسه و بیگار هسته دبیای غمته از یک جنه متد و شکر و راضعت الله بشناس ساخته و اینروزها همه را بسق و تازرو میادارد این پردهای غم انگیز که خاطره زنده و زنده جنگ ۱۸-۱۹۱۴ را بیاد میآورد و ما رانست بدلیلهای صادقاته کشور های آزاد همچنان امیدوار میکنند زیرا معلوم میگردد که آن هدف باطنی که انگیزه این بخشش های جوان سردانه است جز آزادی و آزاد بخواهی چیزی نیست .

بهر صورت امروز از هر نظر که تصور شود اثرات ویران کننده جنگ که بیشتر لشار آن بر دوش قوی توده های عظیم و معرود جهان تحمیل گردیده بود همه را حسابی از پا در آورده و همین امر سبب شده است که کارتهای بین المللی و دستکامهای تبلیغاتی آنها درهای خون چکان فعلی و ادراشش فطنی و گرسنگی آهم در اینروزهای خوش و جابیش بسوزانده .

دوستان مردم چگونه هستند هربرت هوردر رئیس جمهور پیشین آمریکا و رئیس میادزه بر علیه فطنی در جنگ بین المللی اول که اینروزها با ست نایندگی محسوس رئیس جمهوری ترومان دور دنیا راه انداده زند خطری را برای اولین مرتبه در پاریس دنیا پیدا آورد .

هورر میگوید ۵ ملیونها کودک بیگناه اروپائی در اثر کم خوراکی مبتلا به سل و سایر بیماریهای ناشی از گرسنگی شده اند و هرگاه بشریت به آینده خود علاقه دارد باید بر علیه این مرک سیاه مبارزه کند زیرا امروز به هیچوجه وقت و فرصت جنگال و کشمکش های سیاسی را نداریم . شوری که خودش بیش از همه در زیر فشارهای ها رنج دیده بیش از چهارصد هزارتن گرسنه و صد هزار تن جو برانسه میدهد و همینطور کنفرانسی با حضور ارد کیلین و دریا سالار موت با نون نماینده کان هند و استرالیا تشکیل میشود که بیش و کم شاید در بهبود وضع موثر باشد .

بهر صورت دنیای آزاد با اینکه مشکلات و هزاره ادردهای شکست دیگر نظیر بیابانهای صلح - حل مسئله آلمان و کلنی ها دور و دور است ولی اینکه آپاسی توان به آینده امیدوار بود یا غیرا پاسخ آن کمی مشکل است .

افتقار بزرگ روغن
روزهای ۱۹۴۴ که شاهد اشغال قوای دیوانه نازی بود همیشه سمرقن خوبی باید برای روزهای تاریک و مهیوم باشد جنگی که بقیمت قربانیهای زیاد تمام شد و با پیروزی کامل بابان رسیدن آنجا جز در نتیجه همکاری کامل دول جنگجو بود .
این وحدت که توده های آزادیخواه را به قله آزادی سوق داد باید در آینده عمومی

بلم آقای مهندس گودرزی

دنیا و ایران در هفته پیش

دنیای آزاد با چه مشکلاتی روبرو میشود؟

و فعلی جهان آزاد نیز گنجاینده خود زیرا در جنگ و صلح و همکاری صادقاته کشورهای غنی و بیچیز از هر نظر ضروری است
البته نباید فراموش شود که این همکاری میبایستی بر پایه سازش واقعی باشد و گرنه نظریه ویلسن برای بنادر بودن جهان آزاد از آزمایشگاه سیاست بیست ساله مغلط و بیفایده بیرون در آمد سازمانهای صلح فعلی نیز بیثباتی نتیجه خواهد ماند

بیلان تحولات سیاسی در یک هفته

در ایران چه میگذرد؟

رادویو آذربایجان آتشچه میگفت؟
همه دیدیم که قسبه ایران که مدتها زیار د دستکام تبلیغاتی جهان بود با سخن تدبیر آقای قوام و روح جوانان شوری پس از شش ماه تمام عمل گردید اما مسئله آذربایجان که میبایستی از راه مسالمت و برادری بیست خودمان فیصل باید هنوز بجائی نرسیده و معلوم نیست آیا دولت فعلی درخواستهای ملت آزاد آذربایجان را چطور پاسخ میدهد .
پیشه وری آتش میگفت ماتانفس آخر نبرد میکنیم! هزارها ارتش فدائی و منظم دو مکررات هر روز در میدان (ملی) تبریز صفوف خود را مستحکم و با بر جاتر میکنند بهر صورت مشکلات داخلی سدهای عظیمی است که در برابر راه حکومت فعلی گسترده شده است و پس از قضیه آذربایجان سرفصل مشکلات اشهر را میتوان فقط در صععات غرب جستجو کرد .

جنبش کردستان
این حادث مونوپول و مخصوص ما و حکومتهای مانا امروز بوده است که موقعی بنگر چاره نیافتیم که کار از کار گذشته است توجه کنیم مدتهاست که يك نقطه تاریک و مهیوم در سیاست جهانی خصوصا داخلی ما پیش آمده و از هر گوشه و کنار تشنه برای بهبود وضع این منطقه حساس شنیده میشود .
ولی حکومتهای ما با پشت گوش خاراندن و سیاست بسازی بهسر جهت آفندر دفع الوقت کرده میگردند تا سرانجام در برابر امر تمام شده خود را قسرا در دهند .
بهر صورت سر بسته میگوئیم و می گذریم اگر دولت فعلی راه را برای يك سری اصلاحات پرد منه باز کند باید سیاست مثبت بنهواند این موضوع با ترتیب غوشی خانه دهد بهن بیشتر در این موضوع را به مقالات اساسی روزنامه

کوهستان واگذار میکنیم.
نهران در چه حال است؟
نهران شهر خوشرد و مرموز باز اینروزها خاموش و بیسر و صدا است دولت باز حالت انتظار بحدود گرفته اما بنده ایران دوشورای امنیت با داشت مجدد به تریکولی منشی کل سازمان تقدیم کرده است که مسئله ایران کما کان در دستور باقی بماند ولی آقای مظفر تبریز معاصون سیاسی نعتت و زیر در مصاحبه با نمایندگان مطبوعات گفته است که (به آقای علاءستور تازه داده نشده است) و بدین طریق تصور میشود که هم آهنگی کامل بین این دو مرکز قتل موجود نباشد همینطور آقای علاءزادان توضیحات بهخبرین بر جالد خود داری و در این باره سکوت میکنند بهر صورت تا جیح بلدا کرات امروز شورا امنیت خصوصا برای مابین نهایت قابل توجه است .

نظر کلی بر رویدادهای جهان

یک سال پیش
در روز جمعه ۲۳ فروردین سال پیش دلا ابروزولت که از خادمین و قسبه صلح بود مرد و امروز دنیا مراسم سوگواری سال در گذشت او را بر پا میکنند و از تیردن او متناثر است .
اصول مقابله دنیا بستند روزولت که متکی به واقفیت تمام مردم جهان پسود تاریخ را معسوط کرد و از سقوط انسانیت که در سراسر سقراط و بر لب پر تگاه نیستی بود بطرز مؤثری جلو گیری کرد و در عوض آن همه از خود گذشته کی همیشه (هاید پارک) خانه این مرد آزاد کبیه آرزومندان و شیفتگان صلح خواهد بود ولی ستوالی که برای ما پیش می آید اینست که باید همیشه آپاسی از مرکز روزولت هنوز روش آزادانه سیاسی او مورد بسته وادین مقام او هست و هنوز پرچم پرستاره آمریکا بر فراز سرزمین آزادی در اهتزاز است ؟ یا ؟ ممکن است در بعضی موارد تغییراتی ایجاد شود ؟

دهوگر آسپی در ژاپن
از مسئولین جنگ اخیر تنها هیرو هیتو بر مسند خدائی خود تکیه دارد و این باقی مانن امپراطورالیه تا بنای وقت تبلی متقلبن در کنفرانسی برلن بود که تعاضد تصمصم در این مورد را واگذار بهر دولت ژاپن نمودند تا بنوا نه هر تصمیمی را آزادانه برای سر نوشت فطنی خود بگیرد .
احزاب مترقی که سنده به ستایش امپراتور (شین توئیسم) نیستند میگویند ژاپن باید جمهوری شود و دوات تعالیات چنه روی پیش حتی ۶ ملیون وای موافق داشته ولی دوحزب قدیمی (سن سنه بنو) و (سی سوکای) با اینکه ماسک آزادی

خواهی بر چهره خود زده اند و مدتی است بصورت (لیبرال) و (ترقیخواه) در صحنه سیاست جلوه میکنند مسیحا باطنها همان روش قدیمی خود را تقلید و منظوری جز ستایش امپراطور ندارند بهر صورت انتقادات ژاپن بابان بافتو ۳۰ ملیون نفر بیخ میرو هیتو وای دادند و رژیم او همچنان مستقر شد ولی بر باد های اعتراضی است که اینروزها از همه جا شنیده میشود و میگویند شیخه این انتقادات بیسمنی است که ژاپون شکست خورده و کینه جو خواهد کوشید که سیستم قدیمی تنوید امپراطور را تحکیم کرده و دیار با به جنگ تازه بکشاند و از جنگ ها و زدوخوردها استفاده نموده و شکست خود را جبران کند .

تشکیل کنفرانس جدید
روز ۲۵ ماه آوریل چهار روزی امور خارجه دولتهای بزرگ آمریکا ، شوروی ، انگلیس فرانسه در پاریس برای حل مشکلات زیادی که هنوز وجود دارد جمع خواهند شد و آنچه مسلم است اینست که مسئله رور - دن - اسپانی و عند عهد نامه های صلح با دول ملوای خصوصا ایتالیا نلاله بلغارستان که پیش نوشت های آن قبل توسط معاونین آنها تهیه شده مطرح و مورد مذاکره قرار میگیرد و ضمنا قضیه بنغاز ها و شاید مسئله لب ایران و بطنی نقاط جنوبی نظیر بلوچستان و قسبه کیبای کمند در دنیا نیز ممکن است مطرح شود اما آیا این اجنبی پر تشکی جدید نادر فعل اینهمه مشکلات خواهد بود یا غیر اینی توان پیش بینی کرد .

از همه جا
امروز شورا امنیت در فرانسه که ها تر تشکیل میشود در قضیه یکی نامه آندره گرومبکو و دیگری نامه نماینده ایران و همچنین نامه سفیر لهستان در خصوص اسپانیا و اینکه رژیم لهستان در برای صلح و آزادی خطرناک است و صد ها هزار نفر آلمانی در آن منطقه مشغول تهیه سب اتم میباشند مطرح و مورد مذاکره قرار خواهد گرفت آتش جنگ خانگی باز در چین شعله ور گردید و در منطقه راه آهن موکدن جنگ خونینی بین قوای کولیست و نیروی مرکزی چین که میخواهند قوا سی تخلیه شده از طرف شورویها را اشغال کنند در گرفته است فرانکو اعلامیه منتشر و انتشارات اخیر لهستان را مفرضه ا میداند .

لرد اشنیت گی برای حل قضایای مربوط به مصر بقاهره میروود بویست کی ریاست این هیئت انابتدگی را دارد روز پنجشنبه در پاریس خواهد بود .
لاگواردیا میگوید ۱ چهارم گرس امریکا باید منصرا تبدیل به آرد شود هورر که برای کمک به کشور های قطعنی زده در اروپا است اکنون در برلین مشغول بررسی است .
مذاکرات مربوط به هند هلند بین بابان رسید .
دکتر وان موک میگوید از این به بعد اختلافی بین ملو آندونیزها نخواهد بود .

چاپخانه شرکت مطبوعات

مفاره دزدان

- ۱۸ -

بن یگولیه که پرا شا ، پریک نیب زاده دو مفاره ماتو زندگی میکند و چگونه در میان راهزنان به کسب معلومات و حقیقت می پردازد

و امثال گفت با کمال میل سرگذشت خود را برای شا بیان خواهم کرد اما بیان آن در قلب من زخمای دلنغزاش را تازه می کند ، بدین جهت از هیجان دوسی من در هنگام گفتار متعجب باشی صدای راغلیل می لرزد و هراس قطره اشک در گوشه چشمان وی مشاهده ارد

او بدین طریق سرگذشت خود را آغاز نمود ، پدرم را در کودکی از دست دادم او امیر پادشاه بود او در یک قلعه که مأموریت دفاع آرا داشت در حالیکه سربازانش فرار کردند کشته شد ، این سرتنق دلاوری همواره در پیش چشمان من نقش بسته است و در هنگام پاسو ناامیدی یا بدو خود فکر میکنم که چگونه جاش را در راه انجام وظیفه ندا کرد مادرم هم چند سال پیش از جهان رخت بر بست آفتاب ما دیگر کمالا بنیم شده بودم . در آن موقع پدر بزرگ من ما را زد خود برد . او ما را موبظت میکرد اما افسوس او هم پس از چندی از دنیا رفت و ما را بار دیگر تنها گذاشت از آنروز بیده آمریکا اخلاقی کلی تغییر کرد . او با مبلغ کسی که داشت از پیش من رفت و با عده از رفقاییش زندگی نمود .

گاهی هم نزد من میآمد اما در هر حال مهربان و خوشدل بود ، انواها از مردم می شنیدم که او بسرعت اوتیه پندری را شرح می کند .

هنگامی که ما از فرهاد و حقیقتک برادرم که در همان لحظه سر رسیده بود از خواب بیدیم . او مرا به کتک می طایب و میکت که میگفت است ازودی نامود شود .

پس از پرسش از حالت گفت که اینک مشغول تعقیب او هستم ، او مرا در همان دم تشویق برادر میکرد و در اینت کار اسرار داشت از هاست سوال کردم گفت که یکی از بزرگان محل گفته شده و مرا حامل قتل او میدانند . اینک بر شیر و الا هر دو نابود میشوند چند لحظه بعد من و برادرم در آن وقت شب در کوچه های تنگ و تاریک ناپل لرزان و وحشت زده راه می رفتیم .

چاره نداشتیم جز اینکه از شهر خارج شویم . در آن ظلمت شب راه دروازه ای پیش گرفتیم و بر سعی بود نمود را بهارج شهر رسانیدیم و بلاخره بان کوه ها رسیدیم آمریکا که از همه جا نا امید بود به حالت ملحن حد من هم دیگر نتوانستیم برادرم را ترک کنیم .

در این لحظه هراس با مرادای بلند می گفت پس این آمریکا است که شا را بدینجا کشانیده است و گمان اینگار بگردن اوست

راغلیل پس از کمی تأمل جواب داد ، غیر درست است که من جوان بودم اما آنچه را انجام میدادم میدانستم. حتی او از من خواست کرد که ویرا چنان خود بگذارم و با مبلغ کسی که داشت از آنجا خارج شده بی او زندگی کنم

ماتو مردانش ابتدا آنچه توانسته مهربانی و احترام در حق من بجا آورده مخصوصا آواز های من و معلومات طبعی من مراد نرد آن بسیار عزیز گردانیده بود .

خوشبختانه من راهزنان را در راهزنی کتک نیک کرده و حتی خود را از اینکه در نهایت آنها شرکت میکنم سرزنش مینموده آنوقت بر سر می طلب آم . و بش گناهان به کلی با هی طرف سیرتینو از آنجا تماشا می مانش از شان بروگ می نمودم و سعی میکردم دیگر با ملای می سرورق آنان شریک نشوم

در این وقت راغلیل ما گمان متوقف گشت صدای پای مردان از داخل غار شنیده میشد و اندک دوری به هراس کرده گفت ، ناپستی ما را با هم بسته موقت قلبی شا عطر ناک است اگر بهانه که شما دوست من هستم در اینان محض است در حالیکه این حرفها را می برد راغلیل بطرف غار روه شد . . . زودی دزدان دست جسی از غار خارج شده پیشرو که برای اکتشاف فرستاده شده بود برگشته احتمال میور چند مسافر را که از استانی برآمده بغیر داده بود و دزدان با نظار آنها بطرف جاده می رفتند در این وقت راغلیل آمریکا را بتاری کشیده با او به صحبت پرداخت . او مانند چند ساعت پیش آهسته و یا هیجان با او حرف میزد . هراس بیخ وجه نمی توانست چیزی از آن سخنان درک کند فقط وقتی که آس از مقابل او گذشت صدای آمریکا را شنید که اینطور به برادرش جواب میداد .

راغلیل من پستی دنبال آنها بروم تو خود میدانی که من آزاد نیستم شاید بتوانم آنها را از دهن خون باز دارم

در این وقت صدای وحشتناک ماتو شنیده شد که با لمن آمرانه گفت .

آمریکو ، اینجا بیس از آن رئیس دزدان نکاهی حاکی از بی اعتمادی بر راغلیل افکنده راه جاده را پیش گرفت .

پس از آن راغلیل دوباره زده هراس آمده دنبال سرگذشت خود را بیان کرد پیش از یکسال بود که من در میان دزدان زندگی میکردم در آن وقت بود که حادثه ای که تغییر بزرگی در زندگی من داد واقع شد .

یک روز صبر راهزنان برای دزدی بطرف جاده رفته بودند من برای خود در جنگل می کشتم و بساخن تصنیفی مشغول بودم در همین موقع صدای پای بلند شنیدم و پس از چند صدای ماتو بلند شد که بین گفت :

زود خود را در جنگل پنهان و سرباز ابراکه مرا تعقیب می کنند از راه منحرف کن من فرمان او را عملی کردم

کردن قیام خواهند کرد

آیا قیام آنان از ایران شروع شده به ترکیه و عراق سرایت خواهد کرد ؟

سیل اصلاحیه به اگر اد عراق میرسد .

قاهره ناپندگی اتحادیه مطبوعات در بغداد میگوید مسافری که از مناطق کردستان عراق وارد این شهر شده اند میگویند : « طراپ اکراد تمه اذ پادی تفنگ و ذخیره های جنگی دریافت میدارند . دولت عراق کاپلا اوضاع را درک نموده و خود را برای مواجه شدن با قیام احتمالی کردها که از ایران شروع و عراق و ترکیه سرایت مینماید آماده کرده است .

اسبیز مانن ، رئیس ستاد ارتش عراق اظهار داشته :

« ما کلاً وقت اوضاع را زیر نظر داریم . اما ملا مصطفی بارزانی که دو سال ۱۹۴۵ قیام اترات عراق را اداره میکرد حال بنسخته تحت افسال روسها در ایران متواری شده و کله ارغانی که تا بحال از عراق رسیده حاکی از قیام نزدیک و حسی الوتوق اکراد عراق میباشد .

اما دولت عراق تمام احتیاط های لازمه را در سراسر کردستان عراق و مخصوصاً در مجاورت سرحدات ایران به عمل آورده و اوضاع آجا را تحت مراقبت دیده قرار داده است

نایب اتحادیه مطبوعات میگوید دولت عراق تماشاچی استرداد ملا مصطفی بارزانی را از ایران نموده ولی دولت ایران در پاسخ اظهار داشته که : « شارایه در منطقه اشالی روسها بودند مسترسی پلو ندارد . اما روسها آرا تکلیب کرده میگویند ملا مصطفی در ایران است اما نه در منطقه شوروی ها .

ملا مصطفی بارزانی در جینی که از عراق متواری شده بود بیارن خود اظهار داشته بود : « بیزودی به وطن خود مراجعت خواهم کرد . »

و سرانجام مرا جای اوست کبر نموده مرا به دادگاه احضار کردند هیچ دلیل بر ضد من جز معاشرت با دزدان وجود نداشت .

مرا بیست ماه حبس محکوم کردند اما من گفته که اگر پناه کاه دزدان بر آنها بجوم علاوه بر آزادی پاداشی پن خراسته داد من از اظهار این سر لب فرو بست و در نتیجه مرا بیژندان افکنده و در آنجا با انواع من و مشتقات آختابم ساختند .

روزهای اول زندان برای من ناگوار و سخت بود اما رفتار قه بدان وضع خو گرفتیم .

در آنوقت خدای بزرگ در ظن من قاضی عادل بود عدل و رحمت او را بارها شنیده بودم اما به رحمت او باور میکردم خوشبختانه این وضع دوامی نیافت من در زندان دوستی یافتم که نامش ماریتو بود .

این پیر مرد گرمی که مانند من ایتالیایی بود چندین سال در انگلستان بسر برده بود و در آنجا فراغت انجیل

خلاصه خبر های کشور

بودجه کل کشور طبق دستور وزیر دارایی کسبوی باخسوز روسای حسابداری ها تشکیل مشغول تنظیم بودجه ۱۳۲۵ کل کشور میباشد .

ریاست کار گزینی ارتش آقای سرتب موزنی ریاست کار گزینی ارتش منصوب مشغول کار شده

ریاست بهداری شهر داری آقای دکتر عبدالحسین اردلان به ریاست اداره کل بهداری شهر داری منصوب شده .

کوهستان - موقتیت ایشان را در این خدمت اجناسی از زندان خواهد خواستاریم

دستور تلگرافی آقای نخست وزیر

این بخشنامه بوسیله تلگراف از طرف جناب آقای نخست وزیر بکلیه استاندار ها و فرماندار ها مخابره شده است .

لازمست هرچه زود تر کسبوی برای رسیدگی بهسم مالک و ذایع از آن استان با دو نفر کربتن مقتضیات و ضحیت معلولان بندهکان مالکن روزا زمین که راجع با اصلاحات اجناسی نظریات دارند تشکیل داده وحد اکثر تا یک ماه ولیم دیگر نتیجه مطالبات و نظریه کسبوی را گزارش نمایند بدی پی است اجرای در تنظیم دو کول بنسوب دولت وصدر دستور اجراء خواهد بود .

مدیر کل اقتصادی

آقای محمد مهدی فهرسانی بست مدیریت کل اقتصادی وزارت دارایی منصوب گردیده .

بازداشت سر لشکر ارفع

بنام دستور جناب آقای نخست وزیر آقای سر لشکر ارفع بازداشت شده .

معاون فنی وزارت کشاورزی

آقای دکتر محمد غلمبری از طرف آقای نخست وزیر بست معاشرت فنی وزارت کشور و مدیریت کل آمار منصوب شده .

کوهستان - آقای دکتر غلمبری یکی از صاحب منصبان عالی رتبه دولت از مامودین صدیق و پاکده من میباشد امیدواریم در این خدمت ملی تسویق یابند .

رئیس شعبه ۹ حنیچه

آقای شریف دریایگر که از قضات با شهادت هستند بست ریاست شعبه ۹ حنیچه شهرستان تبران منصوب شده .

در کام روانی و شوی آموخته بود و این مختصر معلومات انجیل و زبان انگلیسی که من میدانم از اوست که بین یاد داد .

چند کلمه بانجمن ولایتی کردستان

خواستار خواهیم شد و امیدواریم طرز کار انجمن طوری باشد که ما بیوست همان نظریه اول خود را که حسن نیت است یا چین بودتاید کنیم . امروز ما توجه انجمن ولایتی را به موضوع بهداشت کردستان جلب کردیم . در همین اینکه هیچ لازم نبودیم وضع بهداشت و بهداشتی را شرح کردنی نیست و آقایان اعضاء انجمن بهتر از هر کسی بدان واقفند ضروری میدانیم یادآور شویم که مردم زندگانشان بین جانی در مقابل کوچک ترین بیماری سخت نگرانند و انجمن باید این نکته را مورد توجه و اقدام قرار دهد .

تجربه و تأمین وسایل بهداشتی عمومی دوراه بیشتر ندارد یکی کمک دولت و دیگری کمک ملت . آنچه را مربوط به کمک دولت باشد انجمن بهداشت کردستان در مرکز تمهید نموده که جدا تمهید کند و سه اکثر و سالی و اعتبارات مسکنه را برای کردستان از وزارت بهداشت بگردد ولی کمک ملت باید بدست انجمن ولایتی تأمین شود بدین معنی که انجمن پیش قدم شود و راهمائی را که از آن توان سرمایه ای تهیه کرد در هر یکسیرد فوراً شروع بعمل نماید مثلا انجمن می تواند فوراً از مصرف وجوه اعانه ای که چندی قبل برای مستندان جمع آوری شده جلوگیری کرده مسابب مخصوص بازگشودن وجوه بان حساب و محقق و مانی را که از اعتبار غیرمخوری صرف اقسائنه ضمیمه آن نماید انجمن باید فوراً از مسترین کردستان دعوت کرده و بابت آن فرود توجه به بهداشت همسانی از کمک های مالی آنان استفاده نماید . بدین معنی هم از این راه باید خواهد شد .

انجمن باید موضوع مواردی را مخصوص بهداشت عمومی در نظر بگیرد مثلا معضرت مانی از هر تنی که بابتون و غیره خلاصه راه تهیه پول برای بهداشت مردم زیاد است و اگر مردم فقیده که واقعا این پول که میدهند به صرف یافت که هر قدر هم پول دوست باشد از کمک معنایه نباید پس حال یکبار قدمهای اساسی انجمن فلا تهیه پول برای تأمین وسایل بهداشت مردم می باشد و ما انتظار داریم در آیه نزدیک نتیجه اقدام انجمن را با اطلاع علاقه مندان برسانیم .

در اولن شماره ای که غیر نتیجه اتهامات انجمن ولایتی کردستان را درج کردیم نسبت به متهمین آن از طرف نامه کوهستان اظهار حسن نیت و امیدواری گردید اگر چه شاید با این اظهار نظر ما تمام کردستانیان همساز نبوده ولی اکثریت با نظر ما موافق بود . در همان شماره پیشنهاد کردیم انجمن برای کارهای خود برنامه ای تعیین کند و اجهدت آنرا تقیید نماید ولی تا بحال اطلاعی از برنامه انجمن با ما رسیده و از این جهت است نکاتی را که لازم است انجمن بدان توجه داشته باشد باقی است تذکر خواهیم داد و در چند شماره به نتیجه نظریه یا اقدام انجمن را

تشیح اجازه مجلی با احترامات نظامی چنازه اش و بسوی کردستان بدرجه نمود در حالیکه نشانی که بیاسی شده مات گران بهای اودرار امان و مرزبان همان روز و طرف اعلیحضرت شاه عطا گردیده بر جازده نصب و در گذشت شادروان پاسپار آصف وزیری عزای ملی بود هنگام ورود چنازه به کردستان ساکنین شهر و اطراف تا خارج شهر پیاده به استقبال آمده بودند کلبه دکا کین و بازار ها تعطیل زن و مرد پیر و جوان ضعی و غیره ماتم زده و گریان بودند .

در میان نوای جان سوز موزیک عزای و فیهون و فریاد مردم چنازه بر روی دست در تمام طول دو پایان سفر غیر عبور داده به مسجد در الاحسان رسانیده شد .

مراسم مذهبی و ادای فریضه نماز واجب بر میت از طرف سادات علماء و مشایخ قبل آمده انطق های هیجان آمیز از طرف تیسار سرتیپ همابوری فرمانده لشکر و آقای عباس صیری رئیس نیت په نماینده کمی از طرف روسای ادارات مشر بر خدمات شادروان پاسپار آصف وزیری ایراد گردید .

خطابه جان گذار آقای گمانگراز طرف فرهنگیان و مرتبه آقای ناصر زمانی که معرف احساسات ملی کردستانیان نسبت به فقید سمیه بود بار دیگر میل اشک را از دیده ها جاری و بر قلب های سوخته نیک پاشی کرد .

جناب آقای سردار معظم ، برادر آن مرحوم با چشمان اشکبار پس از اظهار استنان از مراسم ذات شاهانه و اولیای محترم دولت از احساسات پاک و بی آلابش اعالی کردستان سیاسی گرازی نموده پس چنازه یا تجلیز هر چه نامتر بر روی دست ها تا آوا گناه ابدی آن مرحوم حرکت داده شد .

از هنگامی که غیرفون شادروان پاسپار آصف وزیری بوسیله رادفو اعلام شده بود کردستان و دوستانه اران آن مرحوم در عزای بودند علاوه بر مجالس شم بر یاد یاد بنوادگی در تهران و مستند مجلس یادبودی در دفتر روزنامه کوهستان در تهران . مجالس شش در مسجد جامع سنز از طرف آقای مظفر السلطنه اولادان و مجالس سوگواری در مساجد و تنگه های مستند و اغلب نقاط کردستان بر پا گردید

بناسیت چهلمین روز در گذشت شادروان پاسپار آصف وزیری

روز جمعه گذشته بناسیت تصادف با چهلمین روز درگذشت شادروان پاسپار آصف وزیری مجلس یادبودی در منزل آن فرسیده بر پا بود و دوستان و نزدیکان آن مرحوم در این مجلس شرکت داشتند . از طرف خانواده آن مرحوم دفترچه های یادبودی چاپ و بین حاضرین توزیح گردید . این دفترچه شامل یک قسمت شرح زندگی مرحوم پاسپار آصف وزیری و یک قسمت مرتبه هائی بود که دوستانش سروده بودند . اینک ما نیز شرح حال را از دفترچه مبرور اقتباس و بناسیت یاد بود چهلمین روز درگذشت آن مرحوم ذیلا چاپ میکنیم

سال ۱۲۷۱ هجری در این سال ، در شهر مستندج ، از خانواده ای بزرگ ، طفلی قدم حرمه پر آشوب گیتی نهاد . از همان هنگام که دیده گان پر نورش با نگرانی بروی جهان گشوده شد و رقم تقدیر ذلتگانی او را در ۵۳ بهار شروع و ختم نمود . بر تولدش شادبها کردند جشن ها گرفتند و نام او را محصل جعفر نهادند بهاری چند گذشت ، بهوشی نشو و نما میکرد باز بهای کودکی او نشان میداد که روحی بزرگ دارد . مهربان ، تیزهوش و پخته است .

تربیت او در سایه پدر ، مرحوم آصف اعظم ، انجام بیکرقت . هنگام تحصیل فرا رسیده . اساتذی عالم و دانا مرحوم حاج شیخ عبد لعبد مدرس ، که از مدرسین تراز اول کردستان بود مراقبت و تحصیل او را چیده گرفت .

کم کم هنگام فترا گرفتن و سوم باستانی میرسید در سن پانزده سالگی به آموختن سواری و تیراندازی پرداخت در نلیل مدتی سواری زبده و تیراندازی ماهر شد . هیگل برانزده و شایستگی ضرب التل شده بود .

در سن ۱۸ سالگی در تویب خانه صاحب منصب شد . چندی در این سمت خدمت کرد و هنگامی که تویبخانه منحل شد به حکومت اسفند آباد کردستان منصوب گردید . چندین بار حکومت های محلی را داشت تا اینکه در سال ۱۲۹۶ بریاست امنیه کردستان برگزیده شد .

در طی چند سال حکومتی محلی و ریاست امنیه که معادف با هرج و مرج سلطنتی بود خدمات مروجه و با بهترین نحو انجام داده نظم و امنیت را در قلمرو حاکماتی خود را برقرار ساخت . ولی این نظم و امنیت بلیت رشادتهای فون الماده و از خود گذشتگی تأمین میشد . چه ساتن میافاد که خود با چند سوار در مقابل عدم زیادی اشرار بزد و خورد می پرداخت و جان خود را برای حفظ جان و مال مردم به خطر می انداخت .

فقطی خانان برانده از سال ۱۲۹۶ معک آزماش دیگری بود . در این موقع نیز از گوشش برای نجات منوهان خود از چنگال مرک مضایفه نکرد تا آنجا که نمیتوانست میکوشید و از دست گیری مستندان و بیچارگان نوانهار نوروزیه سال ۱۳۰۰ هجری خدمت در نظریه را شروع کرد . ابتدا با درجه سلطانی ریاست نظریه کردستان را برعهده داشت . در سال ۱۳۰۵ بریاست شهرانی هراک سامورده . طرز رفتارش طوری بود

که مردم مانند بگی از افراد خانواده خود دوستش میداشتند . در سال ۱۳۰۶ بریاست شهرانی همدان و سال بعد بظهران منتقل شده ست ریاست کلتری ناحیه ۷ و در سال ۱۳۰۸ با ارتقاء بدرجه پآوری آجودانی تشکیلات نظریه سلطنتی را برعهده دار گردید . در سال ۱۳۱۲ با درجه سرهنگ دومی در مشاغل مختلفه انجام وظیفه می کرد و بیا مودیت هائی ، برای بازرسی بنواحی مختلفه سلطنتی مانند فارس - آذربایجان - اصفهان - بزد - کرمانشاهان مازندران و غیره مسافرت هائی نمود .

در سال ۱۳۱۹ بدرجه پاسپاریکی نایل آمد و در حال ۱۳۲۱ بریاست اداره سر کلتری منصوب گشت . دو سال بعد بواسطه کسالت مزاج و بنا شعوب پریشانک معالجه تشافضی خود باز نشته شد .

شادروان پاسپار آصف وزیری در کلیه ادوار خدمت ، با درستگویی و ایمان بی نظیری در انجام وظیفه میکوشید . در عین اشتیاق از عواطف دوستانه نسبت بزر وستان دویم نداشت . رفتارش بسا مردم طوری بود که جز بهرح و تشاچیزی شنبه نمی شد .

عسر خدمت اداری صبری شد هنگام استراحت و مراقبت مزاج بود ولی برای مردی که آرزوی جز خدمت ببقان نداشت استراحت امکان پذیر نبود . در سال ۱۳۲۴ جنگهای سخت و خونینی در اورامان و مرزبان روی داده بود . نظامی و هشایر تلفات فراوان می دادند . میبایست باین خور بزرگی ها خانه داده شود . دولت از سن شهرت و محبوبیت مرحوم پاسپار آصف وزیری استفاده نمود او نیز با وجود ناسازگاری مزاج و با وجود اینکه میبایست مسافرت حرکت و سواری برایش خطرناک است از خدمات ملی سرباز نرد . روز های سخت و پر مشق ، وقت خود را برفع غائله مصروف داشت . در دستکاری ، شباهت و قول مردانه و ، موجب اطمینان کامل هشایر بود . لشکرجهانبانی ماوروفون الماده دولت و تیسار مرتیب هدایوی فرمانده لشکر کردستان بعمل این مشکل توفیق یافت

از آن پس دیگر حال مزاجش روشنی داشت کسالت های و ناگون و او همچوم آورد شده تا در ساعت ۲ صبح روز سه شنبه ۱۴ اسفند ۱۳۲۴ دارمائی را وداع گفت

۴۳ سال عمرش را اقتصدانه پایان یافت مرحوم پاسپار آصف وزیری به یکنامی زیست و با نام نیک رفت مراسم

فراموش نکند
بسط و توسعه فرهنگ
وظیفه هر شخص شرافت
مندی است
فرزندان خود را بدمرده
هدایت کنید تا علم و دانش
یاسوزند
زیردستان خود را تنویق
کنید که بچه های شان را با
سواد با یاورند

والی پس از این موفقیت سایرین را هم گرفته هستی و دارائی آنها را از دست آنها میگیرد و همه را در خلیه غله میسازد و سید محمود شیخ الاسلامو سید زکی پسرش را به قتل و کشتن میفرستد. سید محمود در قتلان و سید زکی او دو کرفتنو اعدام مینماید.

بعد کسان ایشان با زحمت زیاد اجازه گرفته جنازه آنها را حرکت می دهند سید محمود را در قریه دوره قتلان و سید زکی پسرش را در مغز دفت می کنند و ملا مفره مردو معظاف اهالی است.

در خانه این قضایا و مسلط شدن والی بر حکومت کردستان در همان تاریخ (۱۲۳۰) هجری با تحف و هدایای شایان پشویار رفته پس از جلب توجهات ملوکانه تلقاضا کرد که شاهنشاه قاجار خسرو خان پسر والی را بنامی قبول فرموده (حسن جهان) خان دختر خود واپسند ازدواج او در پیلورد. شاه در مقابل احساسات و پروازات والی تن بیپول این تلقاضا در داده منتوی برای اینکه سابقه و مقدمه برای این وصلت تهیه شود مقرر میدارند که امان افغان اول (سروناز) خانم کتیزهای را که از جنله خاندانهای حرم بوده برلی قبول کنه سپس وصلت ثانوی هم شروع خود بنا بر اینست اصل شاهنشاه قاجار سروناز خانم کتیز خود را با دهمزار تومان جوهر و جواهری بامان او خان می بخشد و امان افغان اسم او را تبدیل به (بنازار) خانم نمودم جزو پردم نشینان حرم خود قرار میدهم دو ماهی پس از این مقدمه شاهنشاه قاجار بیگانه دختر خود را (حسن جهان) خانم پسنده ازدواج خسرو خان پسر کوچک امان افغان در آورده او را بنام (والیه) خانم منتظر میدارد پس از این قضایا و طی این مراحل امان افغان در خست مراجعت یافته منت یکسال مشغول تدارک هروسی میشود در سنه (۱۲۳۲) آتامه حرکت فتنه خود والی یا جمعی از اعیان و اشراف و اهله و اعیان ولایت خاتون جان خانم هشتم را هم با جماعتی از خویش و زوجات امره و اعیان رهسپار تهران میشود.

منت بیگانه سرگرم امر سور و سرور شده تمام حیاطهای درباری وارک سلطنتی آیین بنده شده اساسی عیب و بساطی مرید فراهم می آورده و هم طفا و مجتهدین دارالافتاه و شاهزادگان عظام و امرای دربار و سفرای دول مسیوار و وزراء و ارکان دولت و اهله و اعیان تهران شب و روز در مجالس این سور و سرور حاضر بوده و در دیوای عیش و نشاط و فرح و انبساط غرق و در می شوند.

مجاوز از دوست هزار تومان بصرف این بساط و آیین میرسد که شرح جزئیات آن خارج از گنجایش این مختصر است و داستان آن نقل هر مجلس و نقل هر مجلسی و مجلسی بوده است. پس از یکماه عیش و سرور در ساعت سه هروس را با تپلات هر چه تسانتر بر داشته بگردستان مراجعت میکنند.

محمد حسن خان پسر ارشد امان افغان از این هروسی که پسر کتیز را بر مهتر ترجیح داده اند مایوسی حاصل کرده

بنام آذای محمد مردوخ آیت افه کردستانی

کرد و کردستان

سنه اردلان

۵۰۰

هستند که ناچار در نتیجه هوسرانی این پسر و پسر همه بر روی یکدیگر شمشیر میکشند و یکدیگر را از پای در می آورند. الفقه سردار هر دو سیاه پای سر رکاب گذاشته و سواران هر دو طرف به تک و تاز در آمده شمشیرها از نیام برآمده لیزه را بیوا انداخته تیرها پرواز گرفته بکمرته هر دو لشکر بهم ریخته و یکدیگر در آویخته اند و در آن میانه و ای زاده چون شیر زبان به طرف حمله ور شده از کشته پشته می ساخته و سیاه خود را بر حمله تشجع می نموده و از هر طرف گلوله و تیرمانند تکرک باریدن گرفته و تیر و ناهید از برق شمشیر پلان سر در گریبان کشیده و غورشید جهانباب از حمله دلبران انگشت حیرت پندندان گزیده و زمین و زمان مرجست و خیز دلاوری والی زاده است و آفرین میگفتند.

در آن مرکه آن یل ارچند پشمیر و خنجر بگرو گننه درید و برید و شکست و بیست

پس از قبیل میرزا عبدالله وزیر و محمد علی سلطان اردلان و آقا حسین برادر محمد مراد بیگ (۱) داروغه و میرزا باقر پسر میرزا لطف الله و غیره هم که از دست والی بوده اند مقبول و جمعی دیگر هم از قبیل میرزا عبدالله کریم منند و اسماعیل بیگ برادرش و میرزا عبدالرحمن پسرش و میرزا فرح اله وزیر پسر میرزا احمد و میرزا لطف الله پسر میرزا عبدالله وزیر و میرزا فضل الله پسر میرزا علی درمیدان چنگ زخمی و مجروح میشود. از دست والی زاده هم جمعی کشته و جمعی زخمی میشوند گردن میرزا عبدالکریم منند و محمد بیگ پسر حاج حسینعلی بیگ سنری ضربه شمشیر مجروح ساخته پس از بیبودی هم کردن او کج افتاده تا هنگام فوت بهمان حال بوده است بالاخره میرزا لطف الله پسر هموی میرزا فرح افه در یک کسین گاهی خود را پنهان ساخته

از پسر روی گردان میشود جمعی از جوانان و اعیان زادگان را با خود متفق کرده و بطرف زهاب و گرمسیر لاسرار میکنند در آنجا نیز ایلات کردستان را که در گرمسیر بوده اند با خود متفق ساخته سیاهی آراست می نماید و بتات و تاز سرحدات و عربستان و لرستان و سرپردازه و با یکی از شاخه های طرف فده او را در میدان جنگ بقتل میرساند و امرای او را دستگیر می نماید هوشی و دارائی همه را تصاحب میکند سپس دوی بولایت پسر آورده بشی تاغت و تاز میکند والی چندین مرتبه کسان خود را با مشاقت و دلنوازی در او فرستاده سودمند نمی آید.

خبر عثمانی بایولهای دولت می رسد نواب والا عباس میرزای نایب السلطنه ببط و انشاء قائم مقام رقیب مینی پسر تویخ و نصیحت محمد حسن خان صادر می نماید باز مفید نمی آید. (سواد آن رقم در دیوان قائم مقام که چاپ شده است موجود است) سپس از جانب شاهنشاه قاجار نرسلی شاه بابا علیخان شاطر باشی را بدلات و امتیازات حیرتند باقرایند می بخشد ناچار امان افغان در سنه (۱۲۳۵) جمیع آوری سیاه فرمان داده جنگ پسر روانه میشود و شاطر باشی شهرباری را هم با ملا عباس شیخ الاسلام که معلم والی زاده بوده یا خود میرد در قریه (ناروی) که یکی از قریه های روان کردستان است سیاه پسر و پسر در برابر همدیگر صف می بندند چندین مرتبه بابا علیخان شاطر باشی و ملا عباس شیخ الاسلام با کلام مجید از پسر میفرستند بیچوجه مفید نمی آید بالاخره کار بیگ و قتال منجر می شود.

البته قارلین محترم تصدیق خواهند کرد که این جنگ چنگ تاریخی و قابل توجه است زیرا علاوه بر اینکه سردار هو سیاه پسر و پسر همت مبارزان و دلاوران طرفین و جنگجویان هردو سیاه نیز یا پسر و پسر با برادر و برادرها و عمو و عمو زاده بالاخره قوم و خویش صبی

یک غزل از ظاهر بیگ

چمن یکسپاره خاموشه غسروشی بلبلان بایم
دل ایبرومات و مدعوشه خوافضلی گولان بایم
اگر میلت له نرمات چه حاجت آبس حیوانه
له لبوی لالی جالسا حیرانی جلاودان بایم
لباوه حالت و ژینم له دس جی روسی شیرینم
و بیغان بین بکین شینم عدهای گریه و فغان بایم
بهداله گولی رهنا شکانی رونقسی لیل
بلیت مجنونگی شیدا رقیسی هاشقان بایم
زسانه برمی ولدانه بده سسانی به بیسانه
له بر نشیبسی می خاه بلین پیری سفان بایم
الای عاشقی مدعوشو گو د ظاهره به خاموش
له پر سوئی دلی پر جوش غسروشی مطربان بایم
این غزل را آذای شامی کرمانشاهی در کرمانشاه ارسال داشته اند

والی زاده را در حین کرفوروسر کمر پیکار زار پایک تیر تفک از فراز زین بر روی زمین فرود آورده او را اسیر می سازد محمد صادق خان پسر علی اکبر خان شرف الملک هم له پسر امان افغان والی بوده در آن منظوبه زخمی منکسر برداشته است سیاه محمد حسنخان والی زاده پس از آنکه در خود راز غشی اسیر می بینند روی بهزیمت نهاده فرار میکنند بکمرده فر از آنها اسیر شده هسگی را امان افغان بقتل میرساند. از جمله آنها عباس میرزا بیگ پسر منوچهر بیگ سنری و سبعاوردی بیگ پسر محمد حسن بیگ بوده است خلاصه از لشکر هر دو طرف در میدان جنگ (هلاوه بر آن یکمتموده نفر) چهار صد نفر از امرا و بزرگان کردستان مقتول و فدای هوسرانی پسر و پسر می شوند. پس از فراغت میدان از آیین رزم که والی زاده مجروح و در میدان تخت روان گذاشته روانه ست دژیهارنه پس از یکماه محمد حسن خان در سن ۲۲ سالگی از دنیا در گذشته است او را روانه نجف مینمایند و محمد صادقخان شامی باید پس از این ماجرا امان افغان خان از غمه پسر اختلال حواس پیدا کرده در اول زمستان ۱۲۴۰ هجری از دنیا در گذشته است مدت ۲۷ سال حکومت کرده است از سنه ۱۲۲۰ الی سنه ۱۲۳۰ تمام تمیزات را با تمام رسایده است.

قطعه

خسبی در وادی فکرت نشاوه
زهر معرعی اندر تک و دو
پسی تاریخ سال فوت والی
هم از بهر جلوس والسی نو
خرد گنناکه که در ملک اپات
امان افغان شد و پشت غسرو
۴۳۸ ۱۶۷۸

۱ محمد بیگ داروغه همان بادای
مسجد شپیر بسجده داروغه است که در
سنه ۱۲۴۷ آرا بنا نموده

برای اطلاع مشترکین سقز
مستافه ج- و ن عدهای از
مشترکین سقز وجه اشتراک سال
گذشته روزنامه را برداشته اند به
لداینهگی نامه کوهستان در سقز
دستور داده شد از تحویل روزنامه
به مشترکین به حساب آنها خود
داری نماید.

از مشترکین غرض حساب هم
خواهش میشود برای پرداخت وجه
اشتراک سال دوم به آذای کلامی
نمایند کوهستان در سقز مراجعه
فرمایند.

بخوانندگان نامه کوهستان
روزنامه کوهستان از درآمد
فروش و وجوه اشتراک اداره
میشود اگر مایل به دوام آن
هستید وجوه اشتراک خود را زودتر
برداشته و در از دیار مشترک
لوحش فرمایید

مشاهیر کردو کردستان

«مشاهیر کرد و کردستان»
 نام کتابی است جاری سرگذشت های تاریخی عهد ای از سلاطین - امراء - و برجستگان کرد که نغمه نای مویز بزرگ «جناب امین زکی یک» به زبان کردی نگارش یافته و ترجمه عربی آن بطبع رسیده است .
 خدمات این دانشمند بزرگ در راه احیای ادبیات کردی و تواریخ گذشته کردستان

نویسنده : جناب امین زکی یک
سلاطین و پادشاهان
وامرای مظل
۱. اربوینان

۱- سلطان صلاح الدین

سلطان صلاح الدین پسر امیر نجم الدین ایوبی ، پسر شایر بن مروان و از عشیره را وادی است که شبه ای از مشایخه بانی کرد میباشد آن عشیره در اطراف تویین در قسمت آذربایجان شمالی واقع گردیده . سلطان صلاح الدین مشهور به «الملک الناصر صلاح الدین یوسف اول» در سال ۵۴۲ هجری مطابق با ۱۱۳۸ میلادی در شهر «تکریت» متولد شده و بطوریکه در در کتب «دائرة المعارف اسلامی» و «زندگی صلاح الدین ایوبی» و غیره مذکور شده یکی از بزرگترین پادشاهان و از متفکر ترین سلطانان عصر خود بوده است .

تاریخ زندگی او به چهار دوره تقسیم میشود ،
 ۱ - دوره کودکی تا رسیدن به سلطنت .
 ۲ - سنی و گوش برای تثبیت دعاری سلطنت خود و ایجاد توحید و یکساکت در بین کلیه کشورهای اسلامی
 ۳ - جهاد بر علیه صلیبی ها تا روز وفات
 ۴ - صفات و مزایای برجسته او .

جای بسی تاسف است که اطلاعات و تحقیقات درباره کودکی او بسیار کم و ناتمام بوده و آن طوری که «دکتر احمد ابیلی» تحقیق کرده و مینویسد نجم الدین ایوبی و اسد الدین شیرکو از تکریت هازم خدمت و هداد الدین زنگی در موصل شده و مدتی در ارتش وی مشغول خدمت بودند تا نویسد از تکریت شهر «حلب» در سال ۵۴۴ هجری از طرف هداد الدین زنگی مشار الیه نجم الدین پسر صلاح الدین را حاکم شهر نامبرده گردانید و شکی در این نیست که در آن موقع امیر کوچک نیز همراه پدر بوده است .

پس از وفات هداد الدین زنگی شهر حلب که به مردمان شام و اگذار گردید و آنان نیز در آن شهر بانی مائندولی چندی از این واقعه نگذشت که نجم الدین ایوبی ، پسر صلاح الدین پسرمانهاری نیروهای شام برگزیده شده ولی اسد الدین شیر کو در این وقت قصدت در دستگاه سلطان معهود نورالدین پسر هداد الدین

فراموش شدی نیست .
 مندرجات کتاب «مشاهیر کرد و کردستان» از هر حیث قابل توجه و دانستی است و ما سعی میکنیم خلاصه ترجمه نسولی از آنرا از نظر خوانندگان محترم گذرانیده و در صورتی که توفیق یابیم بند ها ترجمه کامل آنرا چاپ و در دسترس عامه قرار دهیم

ترجمه و اقتباس آقای پراهمین نادری
 اشتغال داشت و بعداً فرماندهی کل نیروی این سلطان مقرر گردید .
 در آخر است دوم جنگهای صلیبی امیر دمشق (شام) اطاعت خود را به سلطان معهود نور الدین اعلام داشته شیر کو در و اس قوای سلطان هازم تسخیر شام شد . پدر صلاح الدین که نخواست از او امر و ولایت خود سر بیچی کند و با در مقابل برادرش مانده هشتی هرس اتمام نیاید وارد مدائن کرانی در میان آهسته

پسین تریب بدون خونریزی نیرو های سلطان نور الدین را دشام شد و نسبت پسرمانده قتل های آنجا ، نجم الدین شهاب لطف و تقوی نمود .
 امیر صلاح الدین ایام کودکی را در شهر حلب گذرانیده و در این شهر بود که خواندن و نوشتن و صرف نحو را آموخته و به همراه پدر همدانشیر شام بدست نیروهای سلطان نور الدین وارد این شهر شد . سلطان علاوه بر علم به وی داشت و امیر کوچک نیز سلطان را فوق العاده دوست می داشت اسب سواری و کتون مختلفه جنگی از قبیل شمشیر بازی را به تیرت نهر آموخته و بعدی در آن مهارت یافته بود که بعضی اوقات سلطان مشغول چوگان بازی می شد . مناصب و مشاغل مختلفه داشت که از همه بیشتر فرمانداری شام بود .

در سال ۵۵۶ هجری برای اولین مرتبه با تانان صوبش شیر کو هازم سفر شد و در جنگهای پلیس شرکت نموده و متناهدرجه رشادت و شجاعت را از خود نشان داده هزم و اراده اش نیز از هر حیث قابل توجه واقع گشت و روی همین اصل بود که در سفر دوم شیر کو ، مصر دو باره به وی ملحق شد و در جنگهای سختی که بین آنها و ارتش آلموری ، پادشاه فلسطین در شهر باین در گرفت رشادت و شجاعت فوق العاده صلاح الدین برای دومین بار روشن و سیرهن گردید و در پرتو فداکاری و مهارت او بود که شهر اسکندریه به تصرف ارتش صوبش شیر کو درآمد و خودش نیز پسرماندهی این شهر منصوب شد در پرتو رشادت و هزم آهین خویش مدتی در مقابل ارتش های مصر و مهاجمین اروپائی بوجود آورده به از امداد صلح با آنان به شام مراجعت کرد .

چندی از مراجعت صلاح الدین و صوبش نگذشته بود که بر خلاف عهد و پیمان صلح پادشاه فلسطین قیام نموده پسر حمله کرد .
 بر حسب تقاضای خلیفه «المامون الفاطمی» و وزیر او «شاور» - سلطان نورالدین شیر کو را برای سومین مرتبه

رازونیا «حریف» با وطن

ای وطن محاسن قلبم ها له نیو بحری الم
 شه وهتا روز هام له ناله وزارتو جور و ستم
 حسرتا تا که ی له دوریت سبل غولین ی له جم
 وک به چسوی دلیرانو حبس شاکی تو نس

القی قدم بوبه دالو بوبه یی رو وک بقم
 ای وطن تا که ی له دوریت بی نصیب و بهره بم
 تا به که ی مانو حرنو و سرکاری اهدعه بم
 تا به که ی من دل به تاسی قامتی گل چهره بم
 بی له بوداوی فراتو غم له نیو ام قهره بم

من وفا داری اتوم خاصم خرابم هرچی بم
 ای وطن بی بکم له دستنی چرخنی گردون به غم
 کردنی در حق به ایبه سهره املا و ابوه
 خیره کانی کوردسانی به م رسکه وا گوشتوه
 به ک به حسرت به ک به محنت بان ، بذلت مردوه

شرطه سامن لهم خوشید ارویه تلخی رم بکم
 ای اقبالم لهه زیری بساری غم داشته به
 گودنی در حق به ایبه سهره املا و ابوه
 بواه و می که شیری از در چنگی توین بسته به
 هر که جی توی له دل بی و که سه سرده به
 گر به دفت بی بگری بو تو چسته غمت به

یا گدا و وینوا و ده وله مند و محنتم
 ای وطن تا که ی به سونی زخم تیری هجرت
 تا به که ی من بم به حامل بازی ناری فرته ت
 گنت ذلیل و زار و سرگردانه ابل و عسرت ت
 وا به سرا تا کشاوه هوری جوری محنت

چون که شاهنشاهی گردان رویوه بوجیگی عدم
 ای وطن روزی ای شیران صاحب غیرت
 بیته در یکسر له پشه ی پر له سالم و هیبت
 صف به صف حله برن بو دفتی مرد و ملت
 در بسدر کن دشمناسی آو و خاکو ملت

بیته وه شاهت به تاجو لشکر و جاه و علم
 ای زمانه بو جی خنده بسی مزاجو مشر بی
 نانی خنده فتنه جو طالب به خورو خره بی
 مسکنی کورد هروطن بو کرده جیگی بی

آیسته هرواتی ۱۳۱ به تخت خسرو جام جم
 با بکم حسب الوطن نصف الا بیان شو خسته
 هر کسی جی له بی موسی برستو اسنه
 یا به مملوکی ستمالی ایسانی لته
 مستحق تیری ستمانه و سر زشت و هم فتنه

ای «حریف» ساوی بر زه خوین است دم بدم

در پرتو مساعدت ها و نداداری های برادرش «تورانشاه» به کشور (التوبه) باز دست یافته و پس از آن متوجه خیابان و استعلام فلسطین گردید و در نظر داشت بهر طور که ممکن است بیت المقدس را اشغال و صلیبی ها را از آنجا بیرون بریزد .
 شهرت و قدرت خود رسیده و در اندیشه های نام وی شهرت فوق العاده ای یافت و همین شهرت و افتخاری بود که مرجع حسادت عهد ای از امراء گردیده به انواع وسایل میکوشیده که انگار سلطان را نسبت به او متشوش ساخته وی را از نظر سلطان بیانه از نه .
 ولی این دسایس بر ملک ناصر بوبه نیامده در پرتو هوش و رشاد و ذکاوت فطری خود اقدامات و دسایس مفرقین را خشتی نمود .

با نیروی خود برای کمک ، آمان مصر مراجعت داد و در این بار نیز صلاح الدین با وی بصر مراجعت نمود و هداد اینکه نیروی اروپائیان را مستحکم ساخت داده و شاور نیز از بین رفت ، شیرکو وزیر خلیفه المامون الفاطمی گردید ولی چندی نگذشت که شیرکو وفات یافت و صلاح الدین بجای وی منصوب گردید و از طرف خلیفه ملقب به «الملک الناصر امیر المومنین صلاح الدین» و الهین « شده و شهرت بسزائی یافت .

در تاریخ ۲۵ جمادی الاخر سال ۵۶۴ هجری مطابق با ۲۶ مارس ۱۱۹۶ میلادی سلطان نورالدین او را فرمانده کل قوای سوریه کرد .
 با وجود تمام این مناصب صلاح الدین بیش از بیست و دو سال داشت به از اینکه «الملک الناصر» غطر احتمالی نیروهای سودانی را که ممکن بود متوجه او شود دفع کرد و موفقیت خود را تقویت نمود . پادشاه فلسطین و کشور یونان گردید و یکی پس از دیگری آنها را شکست سخت داده و از شر آنها خود را راحت نمود .

« کرد » را بشناسید
 و بدیگران هم بشناسید

تالیف لوسی پول مارگریه و دکتر کاب - ترجمه جبر

بررسی در شعر و ادبیات کردی

در قرن نوزدهم حاج مادر - شیخ رضا - مولوی وحده دیگری از شعراء این قرن - محبوب‌های رومانیکی و رومانیستی و مدعیان ادبیات کردی مجدداً ایجاد و رونق دادند.

حاج قادر که یکی از شعراء برجز کرد میباشد در کتاب خود موسوم به «کتاب هلت من» از ناخر و عقب ماندگی قوم خود بسیار متذکر و متأسف شده و بر علیه خرافات و تعصب خشک مذهبی که زجر او باعث ترویج و سی قبیله و تنبلی (ری اصول صوفی گری) و مانع ز فکر کردن علوم و صنایع جدید و صدورگی در راه ترقی قوم کردی باشد جنگ شدیدی را اعلان و قوم خود را به سعی و عمل در تمام طرق مختلفه زندگی و فرا گرفتن علوم و فنون مفید، همانطور که منتضی حقیقت و دیانت اسلامی است (تحریر و تزیین مینماید.

نویسندگان این قرن در آثار خود اسلوب و واژه‌های را نکار می بردند که وسعت زبان شعر و زبان گفتگو را بسیار.

در وصف بهار و اشتیاق به وطن به بیت غزل آلود گفتمت بیست است ترا خدا دمی از خواب بیدار شو تا به آخرتیا برگردیم

کوهستان درین پوشیده از لاله و سرین و لرگس و شلاست.

از ترش و ده و از صدی دیرش باران.

فضای دشت و کوه ساربان بر از لفظ و صدا است.

روی زمین بر از چشمه و برکه و جویبار است.

و نهای آسمان بر از روشنایی و درخشش برن است.

شکوه در هم، تار باد موسی می کند.

و دشت و دمن از عشق مقدم او شود را آرایش نموده اند.

بیاله زورن لرگس روی کف سبزه، بر از شبنم مانند آواز لاله.

و جام باغی درین میروزی رنگ گل.

بر از زر و سیم برای نثار او باد موسی میبایست.

گلها آرزوست به چاه‌های نکارنگ، مانند صدف و قفس هروسی از شادی به نفس مینانند.

چمن از لاله مانند گوسفند دلبران، و چادرهای سیاه چون خال روی آن است.

بش بفته و هلالی و باونه، صبر و مشقت خنجاوار و بی بهاست از سر تا دم کوهها و استیل.

مانند زلف آشفته مستور نموده، قلعه سبزه پهن یا نوب نسیم نمیدم.

و سبزه گل و لاله در جای آن شبه (ده ۱۱)

کوهستان - در اینجا که نام‌ها شاعر بزرگ! شیخ رضا - مولوی و حاج قادر برده شده جبر لازم دانسته مضمری از شرح حال هر یک و ارتباط خواننده گان برساند.

۱ - شیخ رضا پسر شیخ عبدالرحمن طایلی است که از مشایخ معروف و متنفذ اردستان بوده مشایخ طالبانی از ایل رنگه میباشند.

شیخ رضا در ناحیه با زبان از پیش چم جبال گرکوک (عراق) متولد و تحصیلات خود را در شهر گرکوک با تمام سادگی و بی‌سفر و بی‌مناجبت آموخته مدتی در آنجا اقامت نموده و با شاعر معروف ترک دلاق کمال ملاقات و آشنائی داشته و شاعر اخیر را به قدرت بیان وجود ترقیه و علو فکر خود دچار احساس و تمیز نموده مدتی هم در مصر اقامت داشته سپس به وطن خود مراجعت و سالهای اخیر در بند اقامت و در تنگی که از طرف دولت عثمانی در آنجا برای او ساخته شده بود به اوشاد مشغول بود در مهر ۱۳۲۸ در هاجا وفات نموده در جوار مرقد شیخ عبدالقادر گیلانی دفن شده است.

شاعر نامبرده به چهار زبان: کردی عربی - فارسی و ترکی شاعر و قصاید بسیار و متنوع از اجناس و هنر و صنایع و فلسفه و مدایح دارد. اغلب اشعار و قصاید او ارمغانی بوده و همواره در اشعاری درجه سلامت، لذت و حق معانی و علو خیال میباشد.

شاعر موسی در شرحی که در مجله جنرالوائی سلطنتی واقع بابت شاعر نوشت، میگوید: چیزی که بیش از همه مورد اعتنا است شرف اشعار او میباشد.

شیخ رشاد در مورد جزئیات از امتحان هیچگونه کلمات و نیک ابداع نداشته و حتی برادر و فامیل خود از شعر زبان و هجو او فرستادند و بواسطه هجو زیاد سلطان عبدالعزیز عثمانی در حال دولت دچار مضطره شده و مهادت بر او نبوده است.

در یکی از اشعار هجو به سلطان میگوید:

در کش یک روز به یالین خلاف ره بدی، تا حیدخان را بگویم کای امیر الفادین، تا سرالده بن شاه را با یک نصیبه گنه مطلع آن این است بوسیله تلگراف مدح نموده است:

ای تن تو یک واسطه داد خواه را و اصف نی ز حال گدا پادشاه را در یک نظریه بمرآت چون شاه هوس طلمی مینمائی مسافت مدجال و را دیوان این شاعر بضح رسیده است

مولوی نام او عبدالرحیم، معن توالش قریه تادکوزی از دهات جوان رود، و متولد در تاریخ ۱۳۰ قمری هجری در اصفهان شیران عراق بوده.

شاعر بزرگوار در اشعار عرفانی فلسفی و هنری در ردیف سرآمدان این فن است و گذشته از بدایع لغوی و صنوی اشعار او به دقت و ظرافت و وسعت و تاثیر ممتاز میباشد.

آثار او دیوان اشعار از غزل و قصاید و رباعیات عقاید منظوم به زبان

چاپ رسیده است.

انجمن بهداشت کردستان

روزی سه شبه گذشته اولین جلسه انجمن بهداشت کردستان تشکیل گردید شکای که فعلاً مورد توجه واقع است و در آنجا کمی خواهد شد بر حقه عمل برسد بشرح ذیل خواهد بود

۱ - چون یکی از وسایل تأمین بهداشت، کمک های وزارت بهداشتی است. انجمن سعی خواهد نمود با وزارت خانه نامبرده تماس بیشتری داشته و کوشش نماید حتی التعمیر بر بودجه و اعتبارات بهداشتی اردستان افزوده و حد اکثر کمکهای را که ممکن است از وزارت بهداشتی برای کردستان در یافت دارد.

۲ - بنقشه فراهم نمودن و تکمیل وسایل کار پزشکیان محترم مقدم - نتایج انجمن سعی خواهد نمود لوازم - کتب و مقالات را که مورد نیاز آماپان است چه در داخل کشور و چه از خارج تهیه و در دسترس آنان بگذارند که بتوانند خدمات اجتماعی و نوع پرورانه خود را بیشتر انجام دهند

۳ - برای تأسیس آزمایشگاه های میکروب شناسی و شیمیایی و تهیه وسایل علمی برداری و رادیو لوزی و تهیه داروها و حرم ها و واکن ها و غیره که بودجه مصوبه وزارت بهداشتی کافی برای تأمین آن نیست انجمن سعی خواهد کرد توجه علاقه مندان و غیر خواهان را جلب و از کمک های ماری و منوی اهالی محترم کردستان استفاده نماید.

کردی، بزرگ و کوچک - منظم فارسی - عقاید منظوم عربی میباشد.

تألیفات او در معروضات به چاپ رسیده و اشعار کردی او همواره به چاپ او راسم میباشد.

۳ - حاج قادر پسر ملا احمد از ایل رنگه، در یکی از دهات نزدیک کوی منجق (ولایت اردبیل عراق) متولد شده و تحصیلات ابتدائی را در همان شهر پایان رسانیده و به همین جهت به کوی معروف شده تاریخ تولدش در حوالی ۱۲۳۲ قمری هجری و فوتش در سال ۱۳۱۲ بوده است.

حاج قادر تقریباً دارای احساسات آتشین و عشق سرشار بهین پرستی بوده و روز بروز این احساسات در نهاد او قوی تر میشد و اوایل دوره جوانی را در کوی پسر برده و بعد باسلامبول رفتن در آنجا تمام پسران امیر بزرگ بدرخان پادشاه شده است.

در دوره نژاد و استبداد سلطان عبدالحمید در اثر عشق ملیت درجهت کرد داخل شد و تمام عمر خود را به ترویج افکار ملی و تحریر و تشویق ملت خود به راهی از زیر بازاسارت اجنبی و هدایت و راهنمایی آنها بر طرف شاعران ترقی معسوف نموده است و اهست مقام او در بین شعراء کرد بیشتر از این لحاظ است که از انحراف ترقیه و سیک شمری.

این شاعر بزرگ اغلب در اشعار و افکار خود از شاعر معروف احمدی عثمانی تبعیت و تقلید نموده است.

مجموعه اشعار او نزد امیر عبد - الرزاق با بهادر عثمانی بوده و موقعی که امیر از: در هر موصل بدست عثمانی ها کشته میشود کتاب نامبرده بدست عثمانی ها افتاد و میسوزانند و بعد قسمت کمی بطور متفرقه جمع آوری و در بنده ای چاپ رسیده است.

از سفر

معمان نصرت و زبری ... رو نوشت ناله کوهستان جهان شاران فیروز دستگیر و سرتیب رشیدی مالبنکه خدمت گزاری امان جدهلی المصنوع آرمایش مبین بر سنی داد در هر پور ۳۲۰ در انتظار اولیای امور دولت واضح و خدمت های قابل تقدیری معسول و پسر قوی محمد سادق نعمان و هار فغان اتوی رک سرتیب رشیدی کشته تا کنون از طرف دولت نقل توجهی شایسته بچاگران با زمانه کاندو نفر خوانین شیبه معسول نگردید بلکه تمام خدمتگداری اشعه می مورد نظر قرار گرفته اند که هیچکدام استعفا قبول نوجیبات اولیای امور ندانند اینک ناچار عطف توجه اولیای امور و ریاست ستاد ارتش را خواستار آمده ایم درین معسول شایسته رسیدگی کامل معسول و در استعفاء سوارهای عثمانی بر حسب سوابق اشخاص استحقاق آنها در نظر گرفته شود

فدویان در هر موقع میتوانیم مدافع سوار و فویست نظر بیاوریم برای انجام وظیفه بلسکر معرفی نسائیم. بدل توجه مورد استعفاءست.

فیروز دستگیر - سرتیب رشیدی

از سفر

آقای مادم سلطان بیاض من تلگرافی اظهار میدارند که در منطقه سرشیو سوز مستعدگی ایشان تمدی نگرد و خاک گیان بر جهت از مشار الیه شکایت نموده اند کوهستان - امیدواریم اظهارات آقای صالح سلطان بیاض صحیح باشد و ایشان شخصیت معنی و مردم آزار و استعفاء جویی نباشند ولی باتمام این تعاضیل توجه فرمانده لشکر کردستان بدلیات ایشان جلب میشود.

اشکر

دانش آموزان اردستانی دبیرستان نظام از توجه بان، خصوص نیستار سراسرک جهانیان به همین وجهه استان و تشکر مینماید کوهستان - ما نیز بنوبه خود این حسن توجه را بسیار پسندیدیم و مورد امتنان میدانیم.

کوهستان

برای توجه ستاد ارتش

خوشبخت ترین مردم ایران ؟ یا ساکنین سقز

برای کسانی که میخواهند در اوضاع کردستان وقت کنند و بدانند که دامنه هلیات مهاباد یکجا خواهد اجامید خوب است نظری به منطقه هجوار آن افکنند و بطرز عمل مأمورین دولت و روحیه مردم قدری واقف باشند.

اگر چه ذکر اوضاع این منطقه یعنی سقز خیلی مشروح نخواهد بود ولی ما سعی میکنیم نکاتی که بهتر میتواند خواننده را متوجه سازد بیاورد چنانچه شاید اولیای دولت هم اندک توجهی ننموده بوسیله ای که در اختیار دارند درست تحقیق کنند و از این مشتبه خروابوی برند زیرا تا اوضاع مناطق مختلفه برای اولیای مسئول دولت روشن نشود اقدام متناسب و درستی نمیتوانند عمل آورند.

هو و جنجال آراوانی که سردشت و پانه و سقز و حتی شهر سقز در خطر است مردم هم واقعا متوحش شده اند ما هم به ترویج افتادیم که شاید اتفاقات بزرگی روی داده باشد که تعداد تلفات روزی شصت تا از طرفین ماضی و شبلی از این پیش آمد نگران بودم که باز هم گشت و گشتار راه افتاده ولی چون سوابق را بخاطر میآوردیم که اغلب گاهی را کوهرو حتی گاهی چندین کوه می کنند تا کسب اطلاع مقرر از توشوش و نگرانی خود خوداری گردید بالاخره همانطور که فکر میکردیم معلوم شد اتفاق خاصی نبود.

حال پر گردیم سراصل موضوع یعنی وضع سقز.

چندی بود قوای پادگان سقز خیلی زیاده از حد نبود پس آمد کوچک سردشت باعث شد که پادگان نظامی آنجا تقویت گردد سیستم سانسور باشد بدترین وضع برقرار شود. ما مخالف بر قراری نظم و امنیت هستیم دوست داریم جان و مال مردم محفوظ بماند.

و برایش زندگی کنند. مخالف اقدامات احتیاطی دولت هم هستیم بشرطی که مورد سوء استفاده مأمورین واقع نگردد بشرطی که وسیله نشود برای اینکه مردم را خفه کنند بشرط اینکه موجب نگرانی که مردم را از اندازه بدر شکستجه دهند.

ولی اگر روزی رسید که سانسور و کنترل هلیات مردم طوری اجام شد که سلب آزادی از مردم کرد و آنها را دچار خود مختاری و اجام کیفتگی مأمورین نمود آنگاه دیگر نمیتوانیم فکر کنیم که دولت این هملرا برای این نتیجه مجاز دانسته است.

در تمام زمستان گذشته راه بازگشایی سفر قطع شده بود راه سقز و اربف مسدود نموده بود راه تبریز را وقایع آنجا بروی مردم بسته بود اجناس رو بشرقی ناخوش رفته و داد و ستدی انجام نمیداد.

هرگاه بکنگر دهانی از چند فرسخی سقز از خاک مهاباد وارد میشد بوسیله مأمورین تحت نظرد به دژ بانی هدایت می شد پس از تحقیقات که اغلب مدتر طول می کشید یا بیچاره میبایست چندی در آنجا استراحت فرمایند تا امر به مرخصی صادر گردد و یا استننا زود مرخصی می شد هر کس از سقز حتی تا بوکان می رفت میبایست با اجازه و پس از اعتراف مسافرت خود را انجام دهد ای کش ز همه این تحقیقات نتیجه ای بدست نیامد و ای کش ایامه بوقت اطلاع بدست مأمورین میداد ولی این اقدامات جز مزاحمت مردم چیزی حاصل نمیکرد.

چندی سفر گرفتار بر روی شده بود مردم توتون فروخته بودند بوش لایم ایران لیرسیه و منی پس از مدتها پول رسید و پس از اینکه هده ای از تریسین پول از کورسکی مردند تازه سر تسلیم مکلفاتی بود ناظر خرید توتون آنجا مهندس یک روی چون بی نظربود اقدام عادلانه ای کرد بدین معنی که هر کس زودتر توتون فروخته زودتر باید بیاورد آنرا دریافت دارد ولی ایپا گذاشته این اقدام عملی شود؟ خبر فورا فرمانده پادگان آنجا سرهنگ مختاری شروع به کسوفه براسی و صدور دستور نمود که پول فیلان و فیلان را زودتر به عید مصدق این است بجای اینکه از دعاغیات این تماشاچی بیشتر را بشاید به مالیه دستور میداد ولی چون ناظر خرید توتون جدا ایستادگی کرد بوسیله سرهنگ مختاری مینوشی تهیه شده و یکی از مالکین آنجا که گویا آقای محمد آغای عباس بود، مورد شد که آنرا با ماضی مردم برساند. چند نفر که اشغاس نمیده و منصف بودند از اوضاع خودداری کردند چند نفر دیگر که کمک و از سر و اهلبشه زیر برف دارنده آنرا با ماضی خود موشح فرمودند.

اگر روزی از آقای سرهنگ مختاری علت این اقدام پرسیده شود و با استوال کنند آقای سرهنگ شما اصلاح طلبند و کار یکی دیگر از ادارات دخالت کرده اید قضا بازم منطقه مرزی سیاست ملیگنی و خاست اوضاع حکومت تمام و هوزاران هبارت مشابه آنها را خواهد ترسید یا اینکه ممکن است قبل از وقت تازاری هم تهیه کند که ناظر هزینه از دستگرات های دو آتش کردستان است وجود او

آب و نان یکساله داخله
تک فروشی داخله و ربال
محل اداره - تهران خیابان بهلوی و بروی کوچه بینارستان بهلوی
تلفن ۸۵۳۹

۲۰۰ ریال - خارچه ۲۵۰ ریال
خارچه ۵۰ ریال

توجه جناب آقای نخست وزیر به صفحات قرب

کرد و غیره ملاقاتی از جناب آقای نخست وزیر بعمل آورده و توجه حضرت معظم له را بخواهش که ضمن مقالات سابق در کرامت شاه متروک تشریح نموده بودند جلب کرده و جناب آقای نخست وزیر دستورات لازمه راجع به مطالب ذیل صادر فرمودند.

۱ - راجع بایل سنجایی که از وطن پرستان این کشور هستند و در جنگ بین الهی و دودغرض بیست سال حکومت گذشته دوران استقلال ایران هستی خود را از دست داده اند.

۲ - راجع بحرای دستگاه قضایی کرامت شاه - متجاوز از یکسال است درباره خلاف کارهای رئیس داد گاه شهرستان آنجا (آقای احمد شمسوی نهارودی) وزارت دادگستری شکایت میشود و برای تنب و بی مآرک لازمه هم داده شده است که عنوان اینکه استننا های خلاف قضات را نمیتوان از لحاظ انتظامی تعقیب نمود، توجیه شده و وضعیت دادگسی یک شهرستان دیار و وقت گر دیده است و وزارت دادگستری حتی برای تغییر این رئیس داد گاه شهرستان هنوز اقدامی ننموده است و با این هم توجه مدتهاست که استحقاق حاکم مردم دودغرض تقریباً فراموش کرده است.

۳ - راجع بشکایات گراندها که چندین سال است از تدهی آقای عبدالصمد حیاتی (سپاه السلطان) گردیده اند و دارد نظایات مردم تاجیک بجای ترس مسامحت

۴ - راجع بتوزیع نامرب اجناس انحصاری قرب مخصوصاً قمر شیرین و بونون امنیت کاملی در این قاط مرزی و وضعیت قضای اقتصادی و تجارتی

دردوشماره اخیر روزنامه کوهستان موقت شدیم که دیال و مقالات در کرامت شاه متروک را از نظر خوانندگان ارجسته بکنگر ایم ولی روش ما این است موضوعی را که مطرح میکنیم تنها از راه تذکرات بی دلی در روزنامه آن را تعقیب نمینائیم بلکه تا آنجا که مقهور باشد از خارج هم اقداماتی به عمل میآید.

این روش را اغلب نویسندگان معترم روزنامه ما نیز در نظر گرفته و هر یک هر اندازه که بتوانند در اطراف پیشنهادات و تذکرات روزنامه اقدام می کنند.

آقای سلیمان بونسی که سلسله مقالات کرامت شاه متروک را در شماره های مختلفه کوهستان انتشار داده اند.

بمنظور تشریح اوضاع منطقه کرامت شاه و بخصوص نواحی قمر شیرین

باعث انقلاب این ناحیه خواهد بود خوب است فورا فرمان تبیبه او صادر گردد.

هرگاه اتفاقاً روزی یکی از افراد سفر بخواهد حیثیت یکی از روزنامه های مرکز اطلاع دهد اولاً در ساموروست جلوان گرفته خواهد شد اگر توسط مسافری فرستاد و در روزنامه ای منکس شد قطعاً باید کلاهی برایش ساخته شود یا اگر اسم نویسنده معلوم بودی چنانچه باید بکس یا چند نفر را به چنگ آورده و مزاحمتی برایشان فراهم نمایند. این خود بهترین سیستم است از لحاظ گوت و نظران که مردم را از اظهار عقیده مسامحت نمایند ولی همین هلیات است که روز بروز مردم را از دولت نا امید تر و نسبت بمأمورین که روزتر مینماید.

قرب دو ماه است یکی از مأمورین کوچک ستاد ارتش بنام صابری که در نزد اهالی محل به قلمه مود شناخته میشود پس از رفتن این شخص که سابقاً در سقز بزاز بوده و در شکست به تعمیر شمو هنوز هم طبک تراشی می و حاضر هستند و در چند سال اخیر در ستاد ارتش جانی پیدا کرده امروز خود را نماینده قوای العاده ستاد ارتش و و سامور و سی جاسوسی معرفی میکنند و در سایه همین عمل مرتب مردم را سرد کیده می کنند و اگر کسی شایعات او شنید ننگنه پابوش برایش میسازد مخصوصاً توجه ستاد ارتش و فرمانده لشکر کردستان را به هلیات این شخص جلب مینماید.

ما را راجع اوضاع سقز تذکراتی داده ایم و بعضی از آنها هم مورد توجه واقع گردیده اکنون نیز میگوئیم هر قدر این قسم هلیات ادامه داشته باشد و این قوه مأمورین تهیه در این منطقه باشند مشکل دولت بیشتر خواهد شد زیرا ناراضیاتیهای مردم بعد اعلی رسیده است

موضوع کردستان بقیه از صفحه ۱

و شاید چند روز آمدورت باشد بدینوسیله است این تشریفات برای مراجعین کسانی که کارهای شخصی و گرفتاریهای فردی دارند چندان مهم نیست ولی برای مسائل مهم که جنبه عمومی و حیاتی دارد باید راه مستقیم تری را در نظر گرفت.

روزنامه هر قدر خواننده بیشتر داشته باشد موثر تر است.
اگر به نامه کوهستان علاقه دارید مردم را بخواندن آن تشویق کنید.

تاریخ چاپ
در ۱۸ جلد
تالیف آقای فردون نظر
اردلان
زودی مقرر میشود